



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۵/۳۰

یونس نگاه

صندوق گشوده پاندورا در دامن منطقه

ولادیمیر پوتین یک ماه پس از افتادن کابل به دست طالبان، گفت که امریکا در افغانستان صندوق پاندورا را باز گذاشت و رفت. صندوق پاندورا نماد افسانه‌ای خزانه رنج‌ها، ظلمت و بدی‌ها است. پوتین اما نگفت که در خلق محتویات این صندوق، روسیه، چین و کشورهای همسایه افغانستان چقدر نقش داشتند. در سال‌های بین ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ که امریکا کمپین سرکوب طالبان را تشدید کرده بود، رقیبانش مشغول ریختن سلاح، انتحاری، پول و اطلاعات استخباراتی در آن صندوق بودند. طالبان به تدریج به فراكسیون‌های مسکوی، قطری، ایرانی، کویت‌های و میرام‌شاهی مشهور شدند. امریکا نیز متوجه اهمیت آن صندوق در بازی شده بود و به جای جنگ با محتویات آن، در تلاش مالکیتش برآمد.

چنان‌که دیدیم، در سال‌های اخیر رقابت بر سر تملک طالبان، قصه اصلی سیاست بین‌الملل در افغانستان شده بود. روزی که امریکا آخرین سربازانش را از افغانستان بیرون کرد، آخرین بلاها نیز از آن صندوق رنج و ظلمت به میدان پریدند و تمام همسایه‌گان دور و نزدیک افغانستان برای رام کردن آن‌ها و سهم بردن از دست‌رخوان بی‌صاحب افغانستان، به تب‌وتاب افتادند. برخی نقشه استخراج معادن را می‌کشیدند، عده‌ای برای نصب مهره‌ها در دستگاه طالب تلاش می‌ورزیدند و تعدادی برای کنترل راه‌ها و میدان‌های هوایی رقابت داشتند.

با گذشت زمان، کشورهای منطقه متوجه شدند که بازی با صندوق رنج‌ها، کاری خطرناک بوده است. نیروهای تندرو در سراسر منطقه جان دوباره گرفتند. گروه طالبان که گرفتار غرور «پیروزی» شده بودند، با هر کشوری که خود را ولی‌نعمت بخشی از این گروه می‌دانست، با تکبر رفتار کردند. هر کدام از آن کشورها انتظار داشت که در بدل نقش خود در تقویت این گروه، سودی به دست آورد. همکاری طالبان در جلوگیری از حضور عناصر و گروه‌های تندرو خارجی در افغانستان، بخشی از این انتظارات بود. طالبان اما همان‌طوری که در زمان ملا عمر حاضر نشده بودند بر سر «برادران القاعده خود» به قیمت حفظ حاکمیت معامله کنند، این بار نیز برای جلب حمایت چین، روسیه، ایران و امریکا اقدامی جدی علیه گروه‌های تندرو خزیده در درون «امارت» و پناه گرفته در سایه‌اش، نکرده است. تندروان اویغوری، تاجیکستانی و اوزبیکستانی در شمال و شمال‌شرق افغانستان قدرت‌مندتر شده‌اند. داعش در حال سربازگیری از صفوف طالبان است و در این اواخر خبرهایی از پیوستن کتله‌ای طالبان ناراضی در شمال به داعش شنیده می‌شود. سازمان ملل نیز گزارشی مفصل از بیعت رهبر القاعده به طالبان نشر کرده است.

حال شکی نیست که کشورهای منطقه متوجه خطر شده‌اند و به تدریج عکس‌العمل‌ها افزایش می‌یابد. هیچ کشوری از سهم مالکیت خود بر آن صندوق بلاها، راضی نیست. تهدیدهای امنیتی در پاکستان پس از برگشت طالبان به کابل، کاهش نیافته است. تاجیکستان در دو هفته گذشته شاهد درگیری‌های کم‌سابقه در منطقه حساس بدخشان بوده است. ترکیه از دست نیافتن به توافق بر سر اداره میدان هوایی کابل، ناخشنود است و ایران انزوای طالبان آشنایش را بی‌توجهی و ناشکری آن گروه نسبت به حمایت‌های فراوانی می‌داند که سال‌ها ارزانی‌اش داشته بود. در نشست دوازده امنیتی شهر دوشنبه، پیام‌های بسیاری حاکی از نگرانی اشتراک‌کنندگان از رشد تندروی در افغانستان، مخابره شد.

بر اساس افسانه‌ها، پس از آن‌که رنج‌ها، ظلمت و بدی از صندوق پاندورا فرار کرده به جان آدمیان افتادند، یک چیز مهم در صندوق باقی ماند: امید. وضعیت ما نیز چنین است. آفت‌های تروریسم، فقر، بنیادگرایی، تبعیض، عقب‌ماندگی و بی‌قانونی در سراسر افغانستان جولان دارد؛ اما امید از دست نرفته است. این‌که هیچ کشوری هنوز حاضر به پذیرش رسمیت اداره طالبان نشده، یک دریچه است. اذعان برخی نهادهای بین‌المللی و دیپلمات‌های کشورهای دخیل در امور افغانستان به خطراتی که ادامه این وضعیت به بار خواهد آورد، دریچه‌ای دیگر است. ایستاده‌گی و عکس‌العمل مردم در داخل کشور به سیاست‌های ضد بشری اما مهم‌ترین امید و پنجره است. دیده شود که آیا بازیگران منطقه و جهان به‌راستی در لگام زدن تروریسم و شاخ‌وپنجه‌هایش کنار مردم افغانستان خواهند ایستاد یا همچنان به رقابت گرفتن لگام دیو‌ها ادامه خواهند داد؟

د پائو شمیره: له 1 تر1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خبر و لولی